

به نام خدا
 وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)
خلاصه گزارش برای پژوهشگران
بررسی ساختار گفتمانی چکیده‌های پایان‌نامه‌های فارسی در برخی رشته‌های علوم انسانی، فنی‌مهندسی و علوم پایه
۱۳۹۶
رامین گلشائی
معرفی پژوهش در نهادهای علمی و دانشگاهی، اطلاعات عموماً به‌صورت نوشتجات و مدارک علمی، پایان‌نامه، مقاله و غیره وجود دارند که توسط پژوهشگران و دانشجویان مورد مطالعه و استفاده واقع می‌شوند. با توجه به محدودیت‌های پردازشی و شناختی که انسان‌ها دارند، یافتن اطلاعات موردنظر و مرتبط از میان انبوه اطلاعات علمی، اهمیت ویژه‌ای دارد. چکیده‌ها در این میان نقشی مهمی را در دسترسی افراد به اطلاعات موردنظرشان ایفا می‌کنند و این امکان را فراهم می‌کنند تا فرد بدون نیاز به مطالعه‌ی کل متن، در کمترین زمان ممکن تصویری جامع از مهمترین بخش‌های متن به‌دست آورد. با توجه به اهمیت چکیده‌ها در ارائه‌ی خلاصه‌ای از مهم‌ترین بخش‌های نوشتجات علمی، شیوه‌ی بازنمایی اطلاعات در آنها موضوع بسیاری از پژوهش‌های زبان‌شناختی واقع شده است. یکی از این رویکردها به تحلیل بازنمایی اطلاعات در چکیده‌ها، تحلیل گفتمانی و نقشی عناصر زبانی در چکیده‌هاست. در این رویکرد، جملات تشکیل‌دهنده‌ی چکیده به‌لحاظ گفتمانی به ساختارهای بلاغی معینی تقسیم‌بندی می‌شوند که به آنها در اصطلاح «حرکت‌های بلاغی» گفته می‌شود. پژوهش‌های انجام‌شده در باب ساختار بلاغی چکیده‌های علمی که عمدتاً در زبان انگلیسی انجام شده حاکی از این است که رشته‌های مختلف علمی در نگارش چکیده دارای تنوع گفتمانی هستند. این بدان معناست که رشته‌های مختلف علمی، اطلاعات موجود در مدارک علمی را به شیوه‌های مختلفی بازنمایی و ارائه می‌کنند. از آنجا که مطالعات قابل‌اتکایی در باب الگوی گفتمانی چکیده‌های علمی در زبان فارسی در دست نیست، در این پژوهش ساختار گفتمانی چکیده‌ی پایان‌نامه‌های فارسی در رشته‌های مختلف بررسی شده است. شناسایی این ساختار گفتمانی برای سازماندهی اطلاعات در پایگاه‌های اطلاعاتی، تدوین استانداردهای چکیده‌نویسی و نیز سامانه‌های چکیده‌ساز خودکار متن از اهمیت برخوردار است. این پژوهش به‌دنبال این است که دریابد (۱) چکیده‌های فارسی در رشته‌های موردبررسی اساساً دارای کدام ساختار گفتمانی هستند و (۲) چه شباهت/تفاوتی با یکدیگر دارند.
روش پژوهش برای انجام پژوهش، سه شاخه‌ی علمی علوم انسانی، فنی‌مهندسی و علوم پایه تعیین و از هر شاخه نیز دو رشته‌ی نماینده برای تحلیل چکیده‌هایشان انتخاب شدند. رشته‌های نماینده عبارتند از: شیمی و فیزیک برای شاخه‌ی علوم پایه، مهندسی برق و مکانیک برای شاخه‌ی فنی‌مهندسی و فلسفه و زبان‌شناسی برای شاخه‌ی علوم انسانی. برای هر کدام از ۶ رشته، ۴۰ چکیده از پایگاه گنج پژوهشگاه ایرانداک جمع‌آوری و ساختار گفتمانی آنها در قالب حرکت‌های بلاغی و بر اساس مدل پنج‌حرکتی هایلند (2000) کدگذاری شد. سپس در مرحله‌ی بعد، حرکت‌های بلاغی هر کدام از رشته‌ها تحلیل و الگوی کلان برای شاخه‌های علمی به دست آمد.
یافته‌ها الف) در پاسخ به پرسش اول پژوهش، نتایج نشان می‌دهد نشان می‌دهد که حرکت‌های «مقدمه»- «هدف» - «روش»- «نتایج» یا (I P M Pr) متداول‌ترین حرکت‌ها در رشته‌های مهندسی مکانیک، مهندسی برق، فیزیک و زبان‌شناسی است. حرکت‌های متداول در رشته‌ی شیمی، به‌صورت P M Pr مشاهده می‌شود. در مورد رشته‌ی فلسفه نیز، حرکت‌های I P Pr به‌عنوان حرکت‌های متداول شناسایی شدند. ب) در پاسخ به پرسش دوم، نتایج نشان می‌دهد حرکت‌های P M Pr در همه‌ی رشته‌های بررسی‌شده به استثناء رشته‌ی فلسفه یکسان است. بنابراین می‌توان

الگوی P M Pr را الگوی حرکتی مشترک در بین تمامی رشته‌های موردبررسی دانست. در سطح دوم تحلیل، حرکت‌های بلاغی I P M Pr بیشترین اشتراک حرکتی را در رشته‌ها، به‌غیر از دو رشته‌ی شیمی و فلسفه، دارند. همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، طبق داده‌های بررسی‌شده، در رشته‌ی شیمی استفاده از حرکت «مقدمه» مرسوم نیست. رشته‌ی فلسفه نیز با فقدان حرکت «روش»، بیشترین تمایز حرکتی را با سایر رشته‌ها دارد. بنابراین در جمع‌بندی می‌توان گفت که چکیده‌های رشته‌ی شیمی با نداشتن حرکت «مقدمه» و چکیده‌های رشته‌ی فلسفه با نداشتن حرکت «روش» با دیگر رشته‌ها متمایز می‌شوند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به‌طور کلی و بر اساس داده‌های تحلیل‌شده در این پژوهش، می‌توان گرایش رشته‌های مهندسی را از رشته‌های علوم پایه متمایز کرد. به این صورت که در رشته‌های مهندسی، گرایش به الگوی چکیده‌نویسی I P M Pr است، در حالی که در رشته‌های علوم پایه، گرایش به الگوی P M Pr است. عدم تمایل به ذکر حرکت «مقدمه» در چکیده می‌توان بدان معنی باشد که نویسنده احساس نیاز نمی‌کند اطلاعات زمینه‌ای پژوهش و تشریح موقعیت آن نیاز را به اطلاع خواننده برساند. این موضوع می‌تواند ناشی از حاکم‌بودن گفتمان تخصصی و درون‌رشته‌ای نیرومند در رشته‌ی مورد نظر باشد که اطلاعاتی نظیر مقدمه‌چینی بافت و موقعیت پژوهش را اطلاعات زائد می‌انگارد. در شاخه‌ی علوم انسانی، الگوی حرکتی دو رشته‌ی زبان‌شناسی و فلسفه نیز متفاوت هستند. الگوی حرکتی رشته‌ی زبان‌شناسی همانند دیگر رشته‌ها به‌صورت الگوی I P M Pr است، حال آنکه الگوی رشته‌ی فلسفه به‌صورت I P Pr است. به‌نظر می‌رسد به‌دلیل غیرآزمایشگاهی‌بودن فرآیند پاسخدهی به پرسش‌ها در رشته‌ی فلسفه، بیان حرکت «روش» از سوی نویسنده فاقد ضرورت احساس می‌شود. چنانچه هدف ارائه‌ی دستورالعملی تجویزی برای چکیده‌نویسی تخصصی باشد و با علم به اینکه چکیده‌ها دارای کارکرد اطلاعاتی در سامانه‌های اطلاعاتی و بازیابی اطلاعات هستند، رویکرد تجویزی می‌تواند حکم به گنجاندن این اطلاعات در چکیده‌های رشته‌ی فلسفه بدهد. بنابراین با افزودن حرکت «روش» به چکیده‌های رشته‌ی فلسفه، می‌توان کلان‌الگوی I P M Pr را برای رشته‌ی علوم انسانی برگزید. از سوی دیگر، اگر بخواهیم الگوی به‌دست‌آمده برای تک‌تک رشته‌ها را به رسمیت بشناسیم، ساده‌سازی الگوی حرکتی رشته‌ها در قالب یک کلان‌الگوی جامع می‌تواند منجر به حذف اطلاعاتی شود که مختص ژانر و خصیصه‌ی تمایزدهنده‌ی رشته‌ها از یکدیگر هستند. بنابراین، طبق این رویکرد دوم، الگوی حرکتی رشته‌ی فلسفه متفاوت از رشته‌ی زبان‌شناسی و فاقد حرکت «روش» توصیف می‌شود.